

داور - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

داور - بنده باین ماده دراینکه امروز رأی بآن داده شود مخالفم. وقتی باین ماده بایستی رأی داده شود که مواد این امتیاز را رأی داده باشیم و تمام شده باشد که اول يك قانونی گذاشته باشیم بعد قوانینی را که سابق وضع کرده ایم نسخ کنیم و برداریم.

بغضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً خواستم تذکری بدهم؛ این عدد بیست و پنج و بیست و هفت که در این واپرت نوشته شده است از نقطه نظر آن راپرت اولی است که داده شده بود اختلافی که در عدد ها تولید شده بعد مقام ریاست اصلاح خواهند کرد و در خود امتیاز نامه ممکن است این (بیست و هفت) بیست و هشت بشود.

اما قسمتی که آقای داور فرمودند و بنده حس میکنم که غالب آقایان نمایندگان هم موافقت شاید هم مقصود این باشد که نفس داده شود ولی اصولاً فرمایش ایشان وارد نیست بدلیل اینکه اگر این ماده بیست و هشت يك ماده قانونی متصلی میبود و يك ماده اساسی بود برای منسوخ شدن فلان قانون که لغوش لازم است آن وقت این ایراد وارد میشد ولی حالا این ماده جزء يك امتیاز نامه ایست که مشتمل بر سی ماده است و این ماده به تنهایی تأثیری ندارد وقتی این تأثیر را دارد که تمام لایحه تصویب شود و امروز به تنهایی مؤثر نیست.

رئیس - آقای سرکشیک زاده. (اجازه)

سرکشیک زاده - بنده يك توضیحات بیشتری از آقای مخبر میخواستم راجع بقوانینی که اینجا ذکر شده است که مقصود کدام قوانین است.

سهام السلطان مخبر - عرض میکنم؛ در مجلس چهارم سه قانون راجع بامتیاز نفت گذشت يك قانون آن بود که اول از مجلس گذشت نسبت بکمپانی استاندارد ایل که مجلس بدولت اجازه داد که امتیازی با او منعقد کند راجع بنفت بعد از تاریخ بیست و پنجم خود را يك اصلاحی در مجلس پیشنهاد شد که با کمپانی دیگر معتبر مستقل امریکائی دولت بتواند وارد مذاکره نشود.

قانون سوم همان قانونی است که در روی آن دولت مذاکره کرده و امتیاز میدهد این سه قانون گذشته بود و البته وقتی که این امتیاز فغلی در مجلس

تصویب بشود آن سه قانون از رسمیت میافتد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - بنده موافقی با این ماده مطابق آقای تدین. مخالف صحبت کند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

عماد السلطنه - بنده توضیحی میخواهم اجازه میفرمائید؟

رئیس - (خطاب بمخبر کمیسیون) جوزای هزار و سیصد و سه چیست.

عماد السلطنه - بنده هم همین را میخواستم بپرسم.

سهام السلطان - باید هزار و سیصد و دو باشد و راپرت اشتباه شده است.

رئیس - نوشته میشود جوزای هزار و سیصد و دو دیگر اشکالی نیست (اظهاری نشد)

رأی میگیریم بماده بیست و هفت آقایانی که تصویب میکنند ماده بیست و هفت را قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و هشت.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۸ - این امتیاز نامه که شامل بیست و هشت ماده است نخستین و بزبان فارسی و فرانسه تحریر خواهد شد و در موقع بروز اختلاف و عدم توافق نظر فرانسه اعتبار خواهد داشت.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - نظر بعضی بیش آمده که راجع بعضی از کترات ها بود بنده لازم میدانم يك توضیحی از آقای مخبر بخواهم. مینویسد (این امتیاز نامه که شامل بیست و هشت ماده است (بالاخره) نسخه فرانسه اعتبار خواهد داشت) اگر نسخه فرانسه مجمل شد و اجمالی پیدا کرد همچنان که در زبان فارسی و عربی يك نکات مجمل پیدا میشود اگر در نسخه اجمالی پیدا شد مفسرش کیست؟ امریکائی ها هستند؟ ایرانی ها هستند؟ یا راجع بحکمیت است.

بنابراین بنده تقاضا میکنم که آقای مخبر بیان نمایند در صورت اجمال نسخه فرانسه و احتیاج به بیان تفسیر آن مفسر آن که خواهد بود خود کمپانی است؟ دولت ایران است؟ یا حکمی است که از طرف دولت ایران و کمپانی معین خواهد شد و اگر

باین شکل و بطریق اجمال نوشته شود به کترات بعضی هامیمانند که حالا نمیخواهم اظهار کنم. باین جهت لازم میدانم توضیح بدهند که معلوم شود.

سهام السلطان مخبر - درست دقت بفرمائید کلیه اختلافاتی که بین دولت و نماینده کمپانی یا خود کمپانی پیدا شود بحکمیت مراجعه شود این هم يك قسم از آن اختلافات است البته اگر در تعبیر یا تفسیر اختلافی تولید شود بهمان ترتیبی که نوشته شده بحکمیت رجوع خواهد شد و هر چه حکم رأی بدهد قاطع خواهد بود. این بطور کلی است.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

(پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اخذ رأی در ماده بیست و هشت بماند تا تمام مواد از تصویب مجلس بگذرد در آنوقت باین ماده رأی داده شود.

آقا میرزا شهاب - حالا رأی میدید که نسخه فرانسه معتبر خواهد بود در صورتی که هنوز مواد آن هم تنظیم نشده است تا چه رسد بچیزهای دیگر حالا در سر ماده بیست و هشت و ماده بیست و نه اختلاف است و معلوم نیست نسخه فرانسه هم که طبع و توزیع شده است صحیح باشد.

بنابراین پیشنهاد بنده این است که این ماده بماند بعد از اینکه تمام مواد تصویب شود نسخه فرانسه را با فارسی مصوبه مجلس شورای ملی تطبیق کردند آنوقت رأی گرفته شود باین ماده والا پیش از آنکه چیزی وجود پیدا بکند ما بآن رأی بدهیم موضوع ندارد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مقصود از نسخه فرانسه که طبع و توزیع شده است نیست مقصود آن نسخه است که تطبیق میشود با آنچه که مجلس شورای ملی تصویب کرده و آن را باید دولت مبادله کند. بعبارة اخرى آن نسخه فرانسه که دولت معتبر می داند مطابق با همین نسخه فارسی است که مجلس شورای ملی از اول تا آخر آنرا تصدیق و تصویب نموده است بنابراین جای نگرانی نیست و این پیشنهاد مورد ندارد.

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس - بنده موافق آقام تدینم اگر مخالفی پیدا شود جواب میدهم.

آقا میرزا شهاب - بچند ماده رأی

می دهیم بیست و هشت تا بیست و نه تا؟ آقا سید یعقوب - بمواد موجوده.

رئیس - رأی میگیم به پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده بیست و نه باتبدیل بیست و هشت در متن ماده بیست و نه، مجدداً قرائت می شود:

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۸ - این امتیاز نامه که شامل بیست و نه ماده است نخستین و بزبان فارسی و فرانسه تحریر خواهد شد و در موقع بروز اختلاف و عدم توافق نظر نسخه فرانسه اعتبار خواهد داشت.

رئیس - یکی از آقایان تذکر داده است که سی ماده است ولی بیست و نه ماده است بیست و هفت ماده بوده بعد و ماده اضافه شد باین طور که ماده اول و ماده بیستم تجزیه شد.

حاج عزالمالك - در موقع مذاکرات در کلیات حل میشود.

رئیس - رأی میگیریم بماده بیست و نه آقایانی که ماده بیست و نه را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این وقت (یکساعت قبل از ظهر جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نگردید)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك منشی - م - شهاب - معظم السلطان

جلسه پنجاهم

صورت مشروح

مجلس یوم یکشنبه

اول سبته ۱۳۰۳ مطابق

۲۲ محرم الحرام

۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از

ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك

تشکیل گردید)

(صورت مجلس پنجشنبه سنی ام

اسد را آقای آقا میرزا شهاب -

الدین قرائت نمودند)

رئیس نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا خیر؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - دو فقره لایحه از طرف دولت رسید یکی راجع بوسائط نقلیه دیگری

راجع بقوائد بلدیه هر کمیسیون که مقتضی فرمائید مراجعه شود.

بکمیسیون داخله باین قوانین مالی ارجاع شود؟

رهنما = متلا فرض بقر ۱/۴ در فلان شهر
مثلا کرمان یکصد دستگاه پارچه بافی موجود
است که پارچه او از حیث دوام و استحکام و
خوبی مرغوب شده باید یک علامتی را بآن
اختصاص داد که معلوم شود فلان پارچه
متعلق بآن پارچه بافی است ولی وقتیکه علامت
و ممیزی نداشت ممکن است سایرین هم همان
نقش و نگارها را بکار برده و حقوق آن شخص که
سهمی کرده است پارچه اش خوب شود از بین
رفته و بایمال شود و این مسئله نتیجه اش این
میشود که از استحکام و خوبی پارچه اش می
کاهد و بالاخره لاابالی شده (همان طور که
سایر کارهای این مملکت شده است) از
خوبیش میکاهد پس برای اشخاصیکه کار
های خوب میکنند و میخواهند کارشان
شناخته شود باید یک علامتی را که خودش
انتخاب میکند بآو اختصاص داد که مردم
وقتی آن علامت را دیدند بفهمند مال فلان
کارخانه است که جنس خوب دارد و بخردند
کمان میکنند هرچه دایره صنعت و تجارت
در ایران زیادتیر شود البته احتیاجات مردم
نسبت باین قانون زیادتیر میشود حالا اینجا
دو مسئله هست : علامت صنعتی که
اختصاص داده میشود دو نقطه نظر درش
هست یکی از نقطه نظر مالکیتی یعنی آن مارک
یا علامتی را که میرو در وزارتخانه مر بوطه
معین میکنند برای آویز مالکیتی ایجاد می
کنند یکی هم اینکه تا یک مدتی انحصار
بآو دارد .
البته در این موضوع عقاید مختلف
است يك عدم معتقدند که این علامت
مالکیت شخصی برای صاحب آن ایجاد می
کند و این نظریه از نقطه نظر دوام فرق می
کند چون وقتی يك علامتی بیک کسی
انحصار داده شود مدتش ده سال یا پانزده
سال است ولی وقتی بعنوان مالکیت داده
شود این علامت جزء ملک او میشود و از
آن استفاده دائمی میکند .
در قانون ۷ ژانویه ۱۷۹۱ که در
فرانسه وضع شد در ماده يك ابتدا قرار
گذاشته که روی اساس مالکیت گذاشته
نمود مغیر پارلمانی آن قانون که دوین بود
در جلسه ۷ ژوئن ۱۸۴۴ در مجلس اظهار
داشت که حق مخترع يك حق مالکیت است
بیرا زحمت میکشد و بالاخره در نتیجه
حمایت خودش يك مارک برای خودش
رست میکند که ممیز و مشخص کارهای
ش باشد و این مسئله يك عده هم مخالف
بما کرد و از این نقطه نظر مخالفت می
کردند که مدت آن باید محدود و بنظر
رأی آنها باشد و بده سال یا پانزده سال محدود
نمود بنابراین در مالکیتی که این قانون
برایان دارد يك قسمت زیاد از نظر انحصاری
است که برای يك مدت معین داده میشود و
باین جهت هم دولت در این لایحه این نظر
را ملحوظانکرده و يك مدتی معین نموده و
مالکیت بیک مدت محدود داده است .

نخواهند کرد و برای عبا با برک خودش علامتی تهیه نخواهد کرد

اگر بگوئیم اجبار است آنوقت بنده زیادتر مغالطه خواهم شد و خواهم گفت علت ندارد باین وسیله از مردم بدبختی که از کثرت بی پولی و رشکست می باشد بموجب این قانون ده تومان پول گرفت و این مسئله در راز انصافست

اگر اجباری باشد از این نقطه نظر مغالطه و اگر هم اختیاری باشد عرض کردم پس از آنکه در مجلس تصویب شد هیچوقت اجرا نخواهد شد و از نقطه نظر اینکه بنده با وضع قوانینی که احتیاجات مملکتی آنرا ایجاب نمیکند مغالطه

باین قانون هم مغالطه
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - از آقای سردار معظم که یکنفر از متجددین منورالافکار میباشد همیشه میگویند مملکت باید وارد شود در سعاد و تمدن و میگویند برای هر کار باید قانون قرارداد که در تحت قانون مملکت ترقی کند از این فرمایش امروز نشان معجب میکنم

البته صنعت باید در تحت قانون باشد
فلاحات باید در تحت قانون باشد تجارت باید در تحت قانون باشد

مملکت ما مملکت مشروطه است مجلس شورای ملی دارد قانون اساسی دارد قانون انتخابات دارد و ما میخواهیم ملت را داخل کنیم در سیر قانونی اولی می خواهم برای صنعت و تجارتشان قانون قرار بدهیم میگویند خیر برای صنعت قانون قرار ندهیم

اول قدم ترقی مملکت صنعت است و مطابق این قانون کسانی که دارای علائم صنعت هستند و دولت مجبور است در مواقع خودش با آنها همراهی کند و آنها را قوت بدهد مطابق آن امتیازی که باو میدهد و مسلم صنایع ما ترقی میکند البته اگر صنایع را تشویق نکنند صنعت از بین می رود و علت اینکه تا کنون صنایع ما ترقی نکرده برای این است که دولت ما ملتفت نبوده اند که آنها را در تحت قانون وارد کنند و برای آنها امتیازاتی قرار بدهند .

مطابق مذهب اسلام و الائمه و الفضل بینکم احتیاجات را باید ملاحظه کرد ولی در مملکت ما اینطور نبوده است همیشه مملکت بیک حال هرج و مرجی بوده و هر کسی آمده است یک قدری این مسائل را درست کند تقدیرش کرده ایم تا اینکه کار مملکت ما با اینجا کشیده شد

ما امروز می خواهیم صنعت و تجارت و فلاحات را امتیاز بدهیم لابد برای امتیاز دادن علامت لازم است و دولت ناچار است برای ترقی صنعت و تجارت امتیازاتی قرار

بدهد و بمقتضای من هم برای ترقی صناعت و تجارت امتیازات لازم است . و اما راجع بمجبوریت و مختاری اگر دقت داشته باشیم و ماده قانون را تا آخر ملاحظه کنیم معلوم میشود .

چون در مملکت ماصنعت آزاد است هر کس هم که می خواهد علامتی بگذارد آزاد است رنگ و نقش آزاد است در صورتی که تاجر یا صنعتگری آمد مطابق مواد این قانون صورت صنعت یا تجارت با عملیات خود را داد دولت هم البته با او همراهی میکند و تشویق میکند و بمقتضای بده اول قدم برای ترقی صنایع و تجارت همین امتیاز است دیگر خود دانید

رئیس - آقای داور (اجازه)

دایر - بنده موافقم

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - وضع قانون همیشه برای تأمین احتیاجاتی است که يك جامعه احساس میکند آن احتیاجات را بنده البته نمیتوانم بایک قانونی که بایستی وضع شود مخالفت کنیم ولی در عین حال معتقدم که ما بایک مسائل مهمتری در دست داریم که خیلی اهمیتش زیاده از این است .

مثلا يك وزارتخانه که باید راههای ایران را از این صورت فعلی در آورد آن کارها را نمیکیم و این لایحه را که شاید پنجاه سال دیگر هم برای ما زود باشد میخواهیم تصویب کنیم آقای رهنما در ضمن توضیحاتی که فرمودند در سوس و فرائسه این قانون وضع شده.

بلی در آنجا وضع شده است برای اینکه در آنجا کارخانه ها و شرکت های بزرگ هست و اگر يك چنین قانونی وضع نشود اسباب اختلال تجارت میشود ولی در ایران بنظر بنده يك چنین مؤسسه ای وجود ندارد بنابراین تصور میکنم اگر يك قانون مهم تر از این را بیاوریم و در مجلس مطرح کنیم خیلی بهتر است و این قانون بمقتضای بنده برای بیست سال دیگر خوب است

رئیس - آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - بطور کلی از يك لایحه پیشنهاد شده نباید انتظار داشت که تمام حوائج را که نمایندگان محترم در نظر دارند آن لایحه حل کند اینجا لایحه علائم صنعتی و تجارتی که پیشنهاد شده آقایان مخالفت میکنند که صنعت ماکمل نیست تجارتان خوب نیست باید برای آنها يك کارهایی بکنیم

بسیار خوب برای آنها هم يك کارهای خوبی باید بکنیم و هیچ مانعی هم نیست آقایان مسائلی که بنظرشان خوب می آید بطور طرح قانونی پیشنهاد کنند و از مجلس

شورای ملی بگذرانند دولت‌های وقت هم
هر نظر خوبی دارند بمجلس پیشنهاد کنند
و تصویبش را از مجلس بخواهند پس بطور
کلی اگر لایحه اعلام صنایع و تجارتی
مطرح است نباید بگوئیم مایک چیزهای
دیگری ناقص داریم یا کارهای مهمتری
داریم .

بنده خوب خاطر دارم برای دستور
چیز مهمتری حاضر نبود که آقای رئیس این
لایحه را جزو دستور گذاشتند و اگر لایحه
مهمتری بود ممکن بود آقایان تقاضا کنند
جزو دستور شو پس حالا چون چیز مهمتری
در دستور نیست بهتر این است آقایان هم
موافقت بفرمایند که این لایحه از تصویب مجلس
شورای ملی بگذرد

اما آتدیم در خود قانون این قانون
را بطوریکه دولت پیشنهاد کرده بود
متصودش اجباری بود در کمیسیون با بودن
اشخاصی مطلع مثل رئیس گمرک و غیره
مذاکره شد و گفته شد که خوب نیست در
قدم اول ما این قانون را اجباری کنیم
و جهتش همین بود که آقای سردار معظم
فرمودند که اگر اجباری می‌کردیم برای هر
صنعتگری اسباب زحمت میشد و مأمورین
دولت برای تجار و صنعتگران هر روز اشکال
تراشی می‌کردند ولی باید تصدیق بکنیم
که این قانون باین ترتیب برای حفظ حقوق
افراد تجار و صنعتگران است .

مثلاً آمده از زحمت کشیده ام اختراع
کرده ام و میل کرده ام این اختراع را به
خود اختصاص بدهم و با دادن یک وجه
جزئی که البته آن هم یک عایدی برای
دولت است این حق را تامدنی بخودم انحصار
داده ام دیگر کسی نمی‌تواند این حق را از
من یا بطور غلط یا به ترتیب دیگر بزدرد و
این لایحه هم هیچ عیبی ندارد و اسباب زحمت
و صدمه هم برای مردم نیست ولی عایدی
مختصری هم برای دولت دارد تجارت و
صنعت را هم به همین دلیل که عرض کردم حفظ
خواهد کرد

(جمعی گفتند - مذاکرات
کافی است)
رئیس - مذاکرات کافی است؟
(جمعی گفتند کافی است و بعضی
گفتند کافی نیست)
رئیس - رای می‌گیریم آقایانی که
مذاکرات را در کلیات کافی میدانند قیام
فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است و رای می‌گیریم
برای شور در مواد آقایانی که ورود در
شور مواد را تصویب میکنند قیام
فرمایند
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - ماده اول
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده اول - هر قسم علامت از رقم و
حرف و عبارت و یا نقیشتی که برای امتیاز

تشیعین يك معصوم صنعتی و یا يك شیئی و یا
مؤسسه تجارتی بكاربرد و هلاکت صنعتی و
تجارتی شناخته خواهد شد مگر علامت ذیل
را بجای علامت صنعتی و یا تجارتی نمی توان
بكاربرد

۱- انواع نشانها و مدال های دولتی
ایران و یا خارجه مگر با اجازه مخصوص مراجع
مربوطه

۲- انكهای مخصوص دولتی

۳- هین و یا نقشهای ترکیبی شبیه به
بیذهای مختلفه ملی و دولتی ایران و
خارجه

۴- علائمی که معتدل اختلال انظامات
عمومی و برخلاف حسن اخلاق و یا موهوم
گمراهی مردم و یا تولید رقابت غیر عادلانه
بنماید

۵- علائمی که مرکب باشد از ارقام و
یا کلماتی که معمولاً کمیت و یا کیفیت و یا
نوع مال التجاره را مشخص میدارد و یا
عبارت است از اسامی مختلفه جغرافیائی

۶- انواع علائم مذهبی هلامات هیئت
ها و مؤسسات رسمی مانند شیر و خورشید
سرخ و هلال و یا صلیب احمر و یا نظائر
آن

رئیس - آقای داور موافقت؟
داور - بلی
رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم
همینطور؟
آقا سید یعقوب - بلی
رئیس - آقای عدل الملك چه طور؟
عدل الملك - موافقم
رئیس - آقای شیخ العراقین زاده
موافقت؟
شیخ العراقین زاده - موافقم
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - بنده در دو قسمت این ماده
میخواهم از آقای مخبر سؤال کنم قسمت
اول راجع علائم و انكهای مخصوص دولتی
است که نمیدانم مقصود از این قسمت
چیست؟
چون در اینجا شیر و خورشید و سایر
چیزها را ذکر کرده است دیگر این انكها
و علائم دولتی را بنده نمی فهمم و دیگر در
این قسمت که میگوید
(علائمی که مرکب باشد از ارقام
و یا کلماتی که معمولاً کمیت و
کیفیت و یا نوع مال التجاره را مشخص
می داند و یا عبارت است از اسامی مختلفه
جغرافیائی)
خوب بکنفر تاجر میگوید روی آن
مال التجاره خودش بنویسد جای لاهیجان و
روی آن هم ذکر بکند که هشتاد مثقال
اینجا منع کرده است که کمیت آن را ننویسد
بمثلا اسامی مختلفه جغرافیائی را ننویسد
شیر و تاجری مایل است روی مال التجاره
خود بنویسد جای لاهیجان و در اینجا او را

منع می کنند که ننویسد پس چه بنویسد
این قسمت را بنده کاملاً مخالفم و در قسمت
اول هم علائم و انكهای مخصوص دولتی را
بنده نفهمیدم مقصود چیست

مخبر - قسمت سؤال اول نمیدانم
محترم راجع بانكهای دولتی که
فرمودند عبارت از نشانها و هلاماتی است که
در گمرک ها جروف لوایر را مینویسند
و بنویسد مثلاً برای دولت ایران در گمرک
علامت (پ) میگذارند

آن وقت اگر این علامت را بکنفر
اختصاص بخودش بدهد دیگر معلوم نمی
شود که این انك مال دولت است یا نیست و در
این صورت نمیتواند این را اختصاص بیک
نفر بدهند و بکنفر نباید استعمال کنند زیرا
این از علائم دولتی است و در قسمت دوم
که راجع بکمیت و کیفیت فرمودند این را
هم باز اگر يك توجهی بفرمایند معلوم می
شود که مقصود از علامت چیست علامت غیر
از جمله و کتاب است يك علامت نمی تواند
يك جمله بیست كلمه باشد مثلاً جای لاهیجان
را نمیتواند علامت مال التجاره خودش قرار
دهد و اختصاص بخودش بدهد زیرا وقتی
که اختصاص بخودش داد آنوقت مثل این است که
سایر تاجر نمی تواند روی کالاهای خودش
این علامت را بنویسند و از این حق محروم
هستند

زیرا انحصار دارد بیک نفر و آن يك
نفر مالك و علامت مال التجاره خودش قرار
داده و ده نفر تاجر جای فروش لاهیجانی
دیگر نمی توانند روی مال التجاره خودش
بنویسند

بنابر این این را نمیتواند بیک نفر اختصاص
داد و دیگران را منع کرد و در قسمت جغرافیائی
هم همینطور مثلاً (قالی کرمان) را نمیتواند
بیک نفر اختصاص داد زیرا ده نفر تاجر کرمانی
در آنجا است و آنها هم مال التجاره شان
قالی کرمان است و آنها هم میخواهند این
علامت را روی مال التجاره خودش
بگذارند

بنابر این این کمیت و اسامی جغرافیائی
را نمی شود بیک نفر اختصاص داد زیرا حقوق
دیگران هم هست

این است که این قسمت را منع میکنند
زیرا هر کس میتواند روی چای خودش به
نویسد جای لاهیجان ولی بعنوان علامت
تجارتی نمی شود بیک نفر اختصاص داد

رئیس - ماده دوم
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده دوم - هیچکس حق انحصار هیچ
نوع علامت صنعتی و تجارتی را نخواهد
داشت مگر آنکه قبلاً موافق مقررات این
قانون علامت خود را بمقام ثبت وزارت تجارت
رسانیده و اجازه استعمال آن را صادر نموده
باشد

رئیس - این ماده مخالفی ندارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده سوم

(شرح ذیل خوانده شد)
ماده سوم - هر تاجر و صنعتگر که
بخواهد علامتی بخود اختصاص دهد باید شخصاً
یا بوسیله وکیل ثابت الوکاله خود نقشه علامت
مربور را با اندازه حقیقی در سه نسخه با امضاء
و مهر خویش باضماف يك قطعه کلیشه آن
علامت و اظهارنامه متضمن جنس و نوع و
طرح آن علامت و اسامی و اوصاف
اجناس که آن علامت روی آن ها بکار
خواهد رفت به وزارت تجارت تقدیم
نماید

رئیس - آقای سر کشیک زاده
(اجازه)
سر کشیک زاده - عرض بنده
آقا میرزا شهاب - ماده تمام نشده
است

رئیس - تأمل بفرمایند ماده را تمام
کنند
(بقیه ماده بمضمون
ذیل قرائت نمودند)
اندازه علامت در هر حال نباید از يك
عشر ذرع مربع زیادتر باشد
تبصره ۱ - علاماتی که سابقاً معمول
بوده اند هر گاه از يك عشر ذرع هم متجاوز
باشند با رعایت ماده (۷) پذیرفته
میشود

تبصره ۲ - نسبت باجناس جدیدی که
در اظهارنامه ذکر از آنها نشده است
صاحب علامت در صورتی می تواند علامت
خود را استعمال نماید که بموجب اظهارنامه
جدداً گانه متضمن اسامی و اوصاف اجناس
مربور مراتب را با اطلاع وزارت تجارت
رسانیده و اجازه تحصیل کند

رئیس - آقای سر کشیک زاده
(اجازه)
سر کشیک زاده - بنده در ماده اول
هرایضی داشتم
رئیس - در ماده اول چون مخالفی نبود
رفتیم بشور ماده دوم
سر کشیک زاده - اینجا خواستم از
آقای مخبر سؤال کنم که مقصود از کلیشه
چیست؟
بلاوه در تبصره يك يك تناقضی با این
ماده موجود است زیرا در این ماده میگوید
اندازه علامت از يك عشر ذرع مربع نباید
زیادتر باشد و در تبصره مینویسد هر گاه از
يك عشر ذرع متجاوز باشد با رعایت ماده
(۷) پذیرفته میشود و در ماده هفت میگوید
برای حفظ حقوق افراد مقصودش این است
که هر گاه يك علامتی که اندازه اش بیش از
يك عشر ذرع مربع باشد و در سابق معمول
بوده استعمال آن اجازه داده میشود و این
قسمت با آن قسمتی که می گوید نباید از
يك عشر ذرع تجاوز نماید متناقض
است

رئیس - آقای مشیر معظم
(اجازه)

مشیر معظم - اینجا بنده يك قسمتی
فرمایشات آقای سر کشیک زاده را در
ملفت نشدم ولی راجع بقسمت دوم که
فرمودند اگر از يك عشر ذرع زیادتر باشد
بچه متناسب اجازه داده می شود و مخالف
قسمت اول است

این برای این است که يك علامتی از
سابق جاری و ساری بوده و آن علامت در
کارخانه معمول بوده و امروز که میخواهد آن
علامت را بخودش اختصاص بدهد نمی تواند
آن علامت را کوچک تر از اندازه که بوده
بکند و مطابق يك عشر ذرع قرار بدهد
با اینجهت قانون استثنائاً این را قبول
کرده است که اگر آن علامت سابق بزرگتر
از این اندازه که معین شده بود صاحب
آن علامت بتواند آن را تخصیص بخود
بدهد

سردار معظم - تبصره را بفرمایند
مشیر معظم - تبصره علاماتی که سابقاً
معمول بوده است
رئیس - مذاکرات بین الاثنین را
کنار بگذارید
مشیر معظم - و در اینجا میگویند اگر
علامتی را که در سابق معمول داشته و اختصاص
بخودش داده است بزرگتر از این مقیاس و
اندازه که معین کرده اند باشد آن را می
تواند باز به خودش اختصاص دهد و معمول
کند

رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - بنده باز در این قسمت هم
يك توضیح مختصری از آقبلی
مخبر می خواهم ولی استدعای کتبی نمی
مفصلتر روشن تر جواب بفرمایند علت این
که يك نفر صنعت کار یا تاجر را مجبور می
کنند که اندازه علامت خودش را تحت اختیار
دولت بگذارد چیست؟
فلسفه این را بنده نفهمیدم که مثلاً يك عشر و نیم ذرع
نباشد برای چه نباشد بیک مال التجاره را
در کارخانه خودش درست کرده و علامت آنرا
هم مختار است هر اندازه که دلش می خواهد
درست کند و روی مال التجاره خودش منقوش
کند دیگر فلسفه این که مجبور باشد اندازه
علامت را با اختیار و میل دولت واگذار کند
چیست؟
مخبر - نماینده محترم اگر توجه بفرمایند
و بسلیقه خودشان هم مراجعه بفرمایند
تصدیق می فرمایند که کارهای صنعتی را
نباید خیلی خشن و درشت درست کرد و علامت
صنعتی عبارت از کلمات جغرافیائی یا چند متر
علامت گذاشتن نیست علامت عبارت است
از چیز کوچکی که از عشر ذرع بزرگتر نباشد
چنانکه در تمام دنیا هم معمول است حالا
میخواهیم در اینجا مقیاس علامت را بشی
متر قرار بدهیم آنهم بسته بنظر آقایان
نمایندگان است

ولی اصولاً اندازه و مقیاس علامتها
مارکهای کارخانهجات چنانکه در همه جای

این ماده معمول و مجری است این
که حق المقدور سعی می کنند که يك
علامتی روی مال التجاره های خودش
بگذارند و هیچوقت ده متر و پانزده متر
نمی کنند و البته اگر نیم ذرع هم می
نویسند اعتراض می کردند چرا نیم ذرع
نویسند؟
ولی باید اندازه علائم را طوری قرار
داد که زیاد بی تناسب و بدتر کتب نباشد
و زیرا عملی نیست که در يك طرف کوچکی
يك يك اسباب و روشی طرفی يك يك علامت
دومتری گذاشت
(جمعی گفتند)
مذاکرات کافی است
رئیس - ماده چهارم
(شرح آتی قرائت شد)
ماده چهارم - اظهارنامه هر علامتی که
در حدود مقررات است این قانون بوزارت
تجارت پیشنهاد می شود در دفتر مخصوص
ثبت و ذیل آنرا اظهار کنند و مأموری که
تصدیق ثبت است امضا خواهد نمود
در صورتیکه علامت بتوسط وکیل
معرفی شود و کالت نامه باصل اظهار نامه
منتظم گردیده و ضبط می شود
رئیس - این ماده مخالفی ندارد
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده پنجم - نسبت باین ماده
هم مخالفی نیست
یک نفر از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده ششم - نسبت باین ماده چه طور
کسی مخالف است
آقا شیخ محمد علی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمایند
آقا شیخ محمد علی طهرانی - با مقدماتی
که اینجا مذاکره کردند دو علامت صنعتی
و تجارتی الزامی نیست آنوقت این ماده
باماده مجازات بعد مخالفت دارد چرا برای
اینکه در اینجا بگوید
(وزارت تجارت در صورتی که ملاحظه
که علامت پیشنهادی بواسطه شباهت کاملی
که با علامت دیگر دارد مردم را باشتباه
خواهد انداخت از ثبت و تصدیق آن امتناع
خواهند نمود)
در اینجا فقط میگویند از ثبت امتناع
خواهد کرد دیگر معلوم نمی کنند که آن
طرف از استعمال کردن این علامت متعنع
است باید در اینجا این مسئله ذکر شود
که عنوان ماده مجازات بعد اساسی داشته
باشد و اگر متعنع نیست که آن ماده
مجازات بعد هم بی اساس است و باید
ماده را حذف کرد
مخبر - عرض کنم در اینجا اساس این
فقیه که معین کرده است وقتی يك علامتی
شباهت زیاد بیک علامت دیگر پیدا کرد
متعنع است برای اینکه بتعنع بتعنع
صدمه میزند
برای این که علامت آن شخص برای
خودش محفوظ باشد و آن تاجری که می رود

مال التجاره خودش را مرغوب در دست می
کند و يك علامت مخصوصی برای جنس خودش
تهیه میکند آن علامت محفوظ ماند اینست
که اینجا منع کرده است مثلاً يك و روشی
مرغوب خوبی که مال يك کارخانه است و روشی
ساز دیگری هم می رود يك روشی بدی درست
می کند و همان علامت و مارک و روشی مرغوب
صحت را روی آن منقوش میکنند و میخواهد
بفروشد و این البته اسباب زحمت برای
تجارتخانه که دارای جنس مرغوب و مطلوب
است میشود

بنابر این متعنع کرده است که وقتی علامت
شباهت پیدا کرد بیک علامت دیگری ثبت
نمی شود و علاوه بر اینکه دولت ثبت نمیکند
اساساً جلو گیری هم میکنند و اجازه هم نخواهد
داد که آن فایر يك آن علامت را اختیار
کند

(جمعی از نمایندگان -
مذاکرات کافی است)
رئیس - ماده هفتم
(شرح آتی قرائت شد)
ماده هفتم - برای حفظ حقوق افراد
نسبت به علامت صنعتی و تجارتی که قبل از
وضع این قانون استعمال می نموده اند از
تاریخ انتشار رسمی این قانون الی انقضای
يكسال مهلت داده میشود که کلیه دارند
گان علامت صنعتی و تجارتی در صورتی که
باصلاح استعمال علامت خود در مملکت
مایل باشند علامت مزبور را بوزارت
تجارت معرفی نمایند

اجازه استعمال هیچ گونه علامتی صادر
نخواهد شد مگر پس از انقضای مدت يك
سال مهلت فوق الذکر و با رعایت شرایط
ذیل
۱- علامت موافق مقررات این قانون
باشد
۲- معین و یا شبیه علامت صنعتی و تجارتی
دیگری که در مدت مهلتی برای ثبت وجود
اجازه بوزارت تجارت تسلیم شده و ثابت
شود که قبل از آن علامت معمول و متداول
بوده است نباشد

تبصره - استنادی که حق تقدم برای
علامت صنعتی و تجارتی ثابت می نمایند
عبارت از فرامین و احکام دولتی ایران
در صورت فقدان نوشتجات رسمی اسناد و
تصدیق نامه هائیکه تقدم استعمال علامتی را
ثابت نماید
در هر حال اسناد رسمی اولویت خواهد
داشت
رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده هشتم
(شرح آتی قرائت شد)
ماده هشتم - در صورتیکه دارند علامتی
اوسی می دوزد لیکن نمایش اوسی او در

دهد باید بموجب اظهارنامه مراتب را با اطلاع
وزارت تجارت رسانیده نام و نشان شخص
جدید را ذکر و تحصیل اجازه مخصوص
که در ظهور ورقه صورت مجلس ثبت قید
خواهد شد بنماید در صورت فوت صاحب
علامت صنعتی و تجارتی صاحبان قانونی
آن علامت مزبور صادره کافی السابق معمول
می دارند

فقط باید بموجب اظهارنامه که اسناد
مربوطه نیز بآن منضم باشد مراتب را در
مدت شش ماه باستحضار وزارت تجارت
میرسانند

رئیس - باین ماده آقایان موافقت
بعضی از نمایندگان - بلی
رئیس - ماده نهم
(بمضمون ذیل خوانده شد)
ماده نهم - برای ثبت و تصدیق هر علامت
مبلغ ده تومان و برای هر اظهار نامه مبلغ
دو قران بصندوق دولت عائد و در مقابل
تمبر مخصوص دولت روی اجازه نامه و اظهار
نامه ها الصاق خواهد شد
رئیس - آقای سر کشیک زاده
(اجازه)
سر کشیک زاده - بنده در اینجا قائل به
تقلیل هستم زیرا يك اشخاصی هستند که
تاجر محترمند یعنی سرمایه دارند و برای
آنها دادن ۱۰ تومان اهمیتی ندارد ولی
مسکن است تصور کرد که يك آنگری هم
میخواهد برای صنعت خودش علامت مخصوصی
بگذارد و آنوقت این بیچاره را هم مجبور
می کنند که بیا ۱۰ تومان بده و این ظلم
است

یکی دو نفر از نمایندگان - ۱۰ تومان
است
سر کشیک زاده - این جا ۱۰ تومان نوشته
است

رئیس - آقای مشیر معظم
(اجازه)
مشیر معظم - بنده مبلغ ۱۰ تومان را
هیچ زائد نمی دانم برای این که يك تاجری
که می خواهد يك علامتی که سالی يك
تومان بدهد اگر تاجری نتواند ۱۰ تومان
برای يك علامت صنعتی که بخودش اختصاص
می دهد بدهد اصلاً لازم نیست علامت صنعتی
برای خودش اختیار کند
رئیس - آقای عدل الملك
(اجازه)
عدل الملك - موافقم
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده
مخالفم
رئیس - بفرمایند
آقای شیخ محمد علی طهرانی - اولاً فرق
است بین تاجرو صنعت کار يك ارسی دوزی
است که سرمایه اش ۵ تومان است و بادت
اوسی می دوزد لیکن نمایش اوسی او در

این مملکت بقدری قابل توجه است
که مقابله می کند با ارسی های اروپا
حالا این شخص میخواهد يك علامت مخصوص
روی ارسی های خودش بگذارد و معلوم
کند که این ارسی مال من است و سرمایه اش
هم بیشتر از ۵ تومان نیست دیگر بکنفر او
است که این بدبخت بیچاره باین سرمایه
کم که بادت سورن میزند و ارسی میبوزد
بیايد ۱۰ تومان بدهد و بآن تاجر میلیونر
مسای باشد و بنده باین قسمت مخالفم
صانع غیر تجارت است و بنده برای این که
ترغیب و ترویج در امر صنایع شده باشد
بیشتر از يك تومان راجع نمی دانم لیکن
تاجر را صد تومان هم که می خواهند بخرار
بدهند بنده موافقم
مخبر - اصول عوام فریبی و دغا گوئی
چیز غریبی است
(زمره بین نمایندگان)
بعضی از نمایندگان - بلند تر
بفرمایند
رئیس - تشریف بیاورید اینجا
مخبر - چشم (به محل نطق
آمدند)
رئیس - نطق خود را اصلاح کنید
مخبر - چشم - در این قسمت که آقای
رئیس فرمودند نطق خود را اصلاح
کنم
اطاعت میکنم و اصلاح میکنم ولی
قسمت راجع بفرمایشات آقای طهرانی
اصولاً در قضایا وقتی که وارد میشویم
باید نقطه نظر از روی متن قضیه و بدون
توجه باطرافش باشد مسئله ده تومان را
ممکن است مجلس رای بدهد که کمتر
باشد
ولی فکر کنید به بیند اگر میخواستیم
تقسیم بندی کنیم چه مشکلاتی داشت اگر
میخواستیم تقسیم بندی کنیم باید برای
کفایت - کاغذاز پینه دوز - قلم فروش
هر کدام يك طرز و يك طور بنویسیم و
بالاخره يك کتاب پنجاه صفحه تقسیم بندی
کنیم و تمام صنعتگران را در آنجا ذکر
کنیم آنوقت هم تازه در عمل چه صورتی
پیدا خواهد کرد و بلاوه این مسئله اجباری
نیست و يك قضیه نیست که همه را مجبور
کند باینکار
فرضاً اگر يك تجارتخانه يك کارخانه
به بیند که مال التجاره اش بی اندازه صرف
میکند و عملش باین اندازه مرغوب و
مطلوب است که تفاوت گذاردن با کار
دیگران برای او فائده دارد

نباشد می تواند استعمال کند و روی کفش بگذارد.

ولی اگر دیگری آمد و این علامت را خواست سزاوار نیست و بی انصافی است که باو ندهند آنوقت بعد از آنکه باو دادند به این شخص اولی میگویند این علامت مخصوص آن شخص است و شما نمیتوانید استعمال کنید و دولت هم پانزده تومان پیشنهاد کرده بود و کمسیون پنج تومان آنرا رد کرد و ده تومان تصویب کرد و این علامت بصرفه خودشان است البته الاصره نداشته باشند حاضر نشوند این ده تومان را بدهند.

در کمسیون که از پانزده تومان به ده تومان آمد حالا اگر در این قسمت باز آقایان نظریه دیگری دارند بستم برای مجلس است

رئیس - آقای دست فیب.
دست فیب - مغالطه
رئیس - بفرمائید.

دست فیب همانطوریکه آقای رهنا فرمودند تعجب میکنم از الفاظ عوام نرینی همانطور هم بنده تعجب میکنم از اینکه اگر در مجلس بخواهند بفقره کمک کنند فوراً این لفظ استعمال میشود و امیدوارم که در آتی دیگر این لفظ استعمال نشود مبلغ ده تومان یک جهت از فرمایشات آقای طهرانی زیاد است و اساساً مخالفت آقای طهرانی و اشکال ایشان در قسمت ده تومان بود و مخالفت فنده هم روی همان موضوع ده تومان است اینکه آقای شیر معظم یک فرضی کردند و یک مثلی زدند باشخاص بامکت و تاجری که مال التجاره او یک کرور است و آنوقت ده تومان خرج میکند اهمیت ندارد البته این درست است و خیلی هم خوب است اما فرض مخالفان را نکردند که بمنظور یک کوزه ساز و کفش دوزی است و میخواهد صنعت خودش را بر مردم حالی کند که این صنعت من است.

این کار من است و دکان من است فلان جاست و بهتر از مال اروپا کفش درست میکنم.

مال فرنک را نخرید آنوقت چرا ده تومان باید بدهد؟ باینکه در طی عباراتی فرمودند اظهار داشتند صنعت را باید ترقی داد البته صنعت ایران کوچک است یعنی ایران آن کارخانجات بزرگ و مهم زانند کارخانه و صنعت ایران عبارتست از همین کارخانه ها و صنعت هایی که ملاحظه میفرمائید کفش دوزی کوزه سازی این کوچک است و اگر ما بخواهیم این هارا تشویق کنیم دیگر نمیتوانیم یک کوزه سازی که تمام سرمایه اش پنجاه تومان است

و میخواهد یک علامتی روی صنعت خودش بگذارد بگوئیم بیاده تومان بده این خیلی بی انصافی است و این مسئله که آقای مشیر معظم فرمودند راجع بیک صنعت های بزرگ دو کر و روزه کمسیون است که ما بکلی فاقد این قسمت هستیم. آن بدبخت بیچاره که کار خوب کرده است صنعت خوب درست کرده است و میخواهد بر مردم بفهماند که این کار من است این صنعت من است از من چیز بغیر آنوقت دولت بیاید ده تومان از او بگیرد؟ برای چه؟ برای اینکه میگوید چون تو کار خوب کرده باید ده تومان بدهی اگر این ترتیب است که خیلی بی انصافی است

رئیس - آقای عدل الملک

عدل الملک عرض کنم اولاد اینجا پول دادن اختیاری است و کسی را مجبور نمیکند که بی پول بده و این قسمت در واقع یک رقابتی است و رقابت هم بین اغنیاء است و بین ضعیفا رقابت نیست یک کفش دوزی این نظر را ندارد که یک کفش درست میکند بایک علامت انحصاری اختصاص بخودش بدهد و بعلاوه همانطور که آقای رهنا فرمودند اگر ما بخواهیم تقسیم بندی کنیم و کلیه درجات و طبقات صنعت را معین کنیم یک کتاب لازم دارد.

بعلاوه کسانی که سرمایه شان بیشتر است رقابت می کنند و ممکن است این ده تومان را هم بدهند و کسانی که تجربه کرده اند تجربه با آنها نشان داده است که این کوزه گر هیچوقت نمیخواهد رقابت کند بیک علامت صنعتی را منحصر بخودش کند این ها صنعت های کوچک کوچک است و فعلاً منظور اساس تجارت است و بعلاوه چنانچه گفته شد این قانون از قوانین بین المللی گرفته شده است و خیلی هم درش دقت شده است و حالا هم قدم اول است و اصلاحاتش مربوط بیک وقت دیگری خودش خواهد شد.

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟
جمعی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس شاهزاده شیخ رئیس پیشنهاد کرده اند که برای صنایع دستی دو تومان باشد ارجاع میشود (خطاب آقای شیخ رئیس) توضیح دارید بفرمائید
شیخ رئیس - راجع بعلامت صنعتی البته آقایان تصدیق میکنند که وقتی یک نفر علامتی را بخودش اختصاص داد از

آن علامت استفاده میکند و بوسیله آن علامت خودش را بتجارخانه ها و ابالات وولایات معرفی میکند و البته انحصار دادن یک علامتی برای یک نفر مجانی نمیشود.
این است که بنده پیشنهاد کردم از اشخاصیکه صنایعشان بادست است دو تومان گرفته شود و این مابه الامتیازی است بین اشخاصی که بادست صنایعشان درست می شود

با کارخانهای بزرگ و البته آن صنایع با کارخانهای بزرگ خیلی فرق دارد و برای کارخانه های بزرگ ده تومان بیست تومان هیچ اهمیتی ندارد ولی در صنایع ممکن است یک صنعت گری باشد که سرمایه اش کم تر از ده تومان باشد از این جهت بنده همین مبلغ دو تومان را عادلانه و خوب میدانم.

رئیس - پیشنهاد آقای سر کشیک زاده قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم در صورتیکه سرمایه تقاضا کننده علامت بیش از هزار تومان باشد ده تومان از او گرفته شود و الا بیست تومان

رئیس آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده بنظر بنده این پیشنهاد جمع بین تمام نظریاتست زیرا حقیقه ممکن است یک اشخاصی باشند که قادر بر تأدیده تومان نباشند مثلاً فرض بفرمائید درزنجان چاقو سازی میخواهد علامت داشته باشد سرمایه او فقط بازاری او است در اینصورت نمیتواند ده تومان بدهد ولی البته اشخاص دیگری هم هستند کمی توانند هزار تومان هم بدهند بنا بر این این پیشنهاد بنده عادلانه تر و بهتر است

رئیس - مراجعه میشود بکمسیون (ماده دهم قرائت میشود)

(شرح ذیل خوانده شد)
ماده دهم - اعتبار اجازه فقط ده سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود و الا ممکن است پس از یک بار باختر در مجله علامت صنعتی و تجارتی و انقضای مدت یک سال اجازه استعمال عین و یا شبیه آن بدیگری داده شود باضافه ممیزی

رئیس - مغالطه ندارد؟
بعضی از نمایندگان - خیر
رئیس - ماده یازدهم قرائت میشود (باین ترتیب قرائت شد)
ماده یازدهم - علامتی که متعلق بغیر است و ثبت رسیده است عیناً یا با

تغییر و اصلاح و یا کسر و اضافه نمیشود استعمال کرد.

تبصره - استعمال علامت صنعتی تجارتی با تغییر و اصلاح و یا کسر و اضافه بطوریکه اسباب اشتباه برای خریدار نشود با اجازه وزارت تجارت مجاز خواهد بود.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - این ماده مجمل است (زیرا مینویسد علامتی که متعلق بغیر است و به ثبت رسیده است عیناً یا با تغییر و اصلاح و یا کسر و اضافه نمیتوان استعمال نمود چه وقت نمیتوان استعمال کند؟ یکسال بعد؟ دو سال بعد؟ ده روز بعد؟ یا آنوقت؟ در صورتیکه یک ماده مجازات هم پشت سرش مینویسند وقتی میتوان استعمال نکرد که بصاحبان تجارت و صنعت اعلان کنند یا در روز نامچات منتشر شده باشد ولی وقتی که اعلان نکرده باشند یا در روز نامچات صنعتی و تجارتی منتشر نشده باشد این تکلیف مالا یطاق است چیزی را که من نمیدانم چه طور مستحق مجازاتم؟ پس باید مقید شود که علامتی که ثبت رسیده است پس از طبع و نشر در مجله صنعتی و تجارتی در تمام نقاط ایران نمیتوان استعمال کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خیلی تعجب می کنم از آقای طهرانی که با مقام فضل و دانششان این ایراد را میفرمایند برای خاطر اینکه البته وقتی قانونی مینویسند توی پستو که نمیگذارند معلوم است چاپ و اعلان میکنند و در تمام اقطار مملکت منتشر مینمایند تا همه مطلع شوند تا مردم بقانون مطلع نشوند بوقع اجراء گذارده نمیشود لابد تا وقتی اعلان نشده باشد بکسی ایراد نمیگیرند پس از آنکه قانون از مجلس گذشت و بدست دولت افتاد بدیگری است که در مجله صنعتی و تجارتی منتشر میشود آنوقت وقتی که مردم از مواد این قانون مستحضر شدند و خبر داشتند که فلان علامت مال دیگری است آنوقت حق ندارند آنرا استعمال کنند در اینصورت دیگر لازم نیست ما وقتی را معین کنیم زیرا وقت همان زمان اطلاع او است.

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

آقا سید یعقوب - خیلی تعجب می کنم از آقای طهرانی که با مقام فضل و دانششان این ایراد را میفرمایند برای خاطر اینکه البته وقتی قانونی مینویسند توی پستو که نمیگذارند معلوم است چاپ و اعلان میکنند و در تمام اقطار مملکت منتشر مینمایند تا همه مطلع شوند تا مردم بقانون مطلع نشوند بوقع اجراء گذارده نمیشود لابد تا وقتی اعلان نشده باشد بکسی ایراد نمیگیرند پس از آنکه قانون از مجلس گذشت و بدست دولت افتاد بدیگری است که در مجله صنعتی و تجارتی منتشر میشود آنوقت وقتی که مردم از مواد این قانون مستحضر شدند و خبر داشتند که فلان علامت مال دیگری است آنوقت حق ندارند آنرا استعمال کنند در اینصورت دیگر لازم نیست ما وقتی را معین کنیم زیرا وقت همان زمان اطلاع او است.

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - بنده موافقم
رئیس - آقای داور چطور.
رئیس - بفرمائید؟
داور - بطوریکه آقای طهرانی متذکر شدند باید در اینجا قدری دقت

کرد اولاً اعلان در جرائد صنعتی و تجارتی درست نتیجه مطلوب به بدست نمی آید زیرا اولاً مجلات صنعتی هنوز در مملکت ما نیست ثانیاً مردم سواد ندارند تا بتوانند اطلاع پیدا کنند باید کاری کرد که علامت صنعتی را کسی بتقلب درست نکند والا ممکن است یک کسی علامتی را برای خودش درست کند و این علامت را من قبلاً برای خود انتخاب کرده بودم مثل اینکه دیده ایم یک اشخاصی اسم خانواده برای خودشان انتخاب میکنند بعد یکی میآید و میگوید این اسم را من قبل از شما انتخاب کرده بودم علامت البته حقاً متعلق بکسی است که ثبت کرده است ولی ممکن است بر حسب تصادف معلوم شود که کسی از سابق یک علامتی را انتخاب کرده و دیگری هم آمده است یک علامتی شبیه به آن برای خودش انتخاب کرده است و تجارتی منتشر نشده باشد این تکلیف مالا یطاق است چیزی را که من نمیدانم چه طور مستحق مجازاتم؟ پس باید مقید شود که علامتی که ثبت رسیده است پس از طبع و نشر در مجله صنعتی و تجارتی در تمام نقاط ایران نمیتوان استعمال کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خیلی تعجب می کنم از آقای طهرانی که با مقام فضل و دانششان این ایراد را میفرمایند برای خاطر اینکه البته وقتی قانونی مینویسند توی پستو که نمیگذارند معلوم است چاپ و اعلان میکنند و در تمام اقطار مملکت منتشر مینمایند تا همه مطلع شوند تا مردم بقانون مطلع نشوند بوقع اجراء گذارده نمیشود لابد تا وقتی اعلان نشده باشد بکسی ایراد نمیگیرند پس از آنکه قانون از مجلس گذشت و بدست دولت افتاد بدیگری است که در مجله صنعتی و تجارتی منتشر میشود آنوقت وقتی که مردم از مواد این قانون مستحضر شدند و خبر داشتند که فلان علامت مال دیگری است آنوقت حق ندارند آنرا استعمال کنند در اینصورت دیگر لازم نیست ما وقتی را معین کنیم زیرا وقت همان زمان اطلاع او است.

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

آقا سید یعقوب - خیلی تعجب می کنم از آقای طهرانی که با مقام فضل و دانششان این ایراد را میفرمایند برای خاطر اینکه البته وقتی قانونی مینویسند توی پستو که نمیگذارند معلوم است چاپ و اعلان میکنند و در تمام اقطار مملکت منتشر مینمایند تا همه مطلع شوند تا مردم بقانون مطلع نشوند بوقع اجراء گذارده نمیشود لابد تا وقتی اعلان نشده باشد بکسی ایراد نمیگیرند پس از آنکه قانون از مجلس گذشت و بدست دولت افتاد بدیگری است که در مجله صنعتی و تجارتی منتشر میشود آنوقت وقتی که مردم از مواد این قانون مستحضر شدند و خبر داشتند که فلان علامت مال دیگری است آنوقت حق ندارند آنرا استعمال کنند در اینصورت دیگر لازم نیست ما وقتی را معین کنیم زیرا وقت همان زمان اطلاع او است.

رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - بنده موافقم
رئیس - آقای داور چطور.
رئیس - بفرمائید؟
داور - بطوریکه آقای طهرانی متذکر شدند باید در اینجا قدری دقت

ماده دوازدهم - اشخاصی که برخلاف ماده (۱۱) علامتی را استعمال نمودند و یا اشیا یا که دارای علامت تقلبی و ساختگی باشند دانسته بمرض فروش و معامله بگذارند بسه ماه الی یکسال حبس محکوم و از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان صندوق دولت مجانی خواهند بود و در صورت تکرار مجازات مضاعف میشود محکمه در صورت تقاضای مدعی میتواند مرتکب را بتادیبه خسارات وارده بر او نیز از هر قبیل که باشد محکوم نماید و نیز حق دارد علامت تقلبی اشیا را باطل کند و صورت حکمی را که در این قبیل موارد صادر مینماید کلاً و یا بعضاً در نقاطیکه لازم میدانند اعلان کند یا در روزنامهها درج نماید و خارج می کند که بر این اقدام تعلق میگیرد بر عهده محکوم علیه خواهد بود

تبصره - معادل مبلغی که مطابق ماده دوازدهم بمعهده محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیا تقلبی مصادره خواهد شد و از عین اشیا که علامت آنها را نمیتوان باطل کرد از قبیل اشیا شکستنی تمام آن اشیا ضبط و در این صورت از جریمه معاف خواهد بود

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده این ماده را بقدری مضطربم که اندازم ندارد.

زیرا اولاً برای دو تفسیری که در عرض هم نیستند یک مجازات نوشته اند میگوید (اشخاصی که برخلاف ماده ۱۱ علامتی را استعمال نمودند این یک قسمت) و یا اشیا یا که دارای علامت تقلبی و ساختگی باشند دانسته بمرض فروش و معامله بگذارند این هم یک قسمت و آنوقت مجازات اینها چیست؟

از ۳ ماه تا یکسال حبس و از ده تومان تا سیصد تومان جریمه برایشان مقرر کرده اند اما اگر کسی یک نقش و علامتی را نداشته استعمال کرد که شبیه بعلامت دیگری بود البته معاف است زیرا اساساً گناه فرع بر این است که کسی همد باشد وقتی کسی نداشته کاری را کرد او گناه ندارد و ماده دوازدهم را اگر آقای داور ملاحظه بفرمایند می بیند که اگر کسی دانست که فلان علامت متعلق بدیگری است و عاصداً استعمال کرد آنوقت مجازات دارد و باین ترتیبی که اینجا نوشته شده گمان میکنم رفع هر گونه مضطرب خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - اگر اجازه میفرمائید بقیه بماند برای بعد از تنفس

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود (این ماده قرائت شد)

ولی اگر کسی یک اشیا یا که علامت تقلبی داشت خریدار را بچطور میتواند ثابت کند و ثبوتش هم خیلی مشکل است از این جهت مجازاتی که برای او معین میکنید یک مجازات روزی است بعقیده بنده نه در ده روز صراحت است زیرا میگوید (معادل مبلغی که مطابق ماده دوازدهم بمعهده محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیا تقلبی مصادره خواهد شد) در اینجا قصدش این است از اشیا یا که علامت تقلبی دارد از ده تومان تا سیصد تومان جریمه مطالبه شود و این چیز غریبی است دولت وقتی که این اشیا را مصادره میکند از دو حال خارج نیست یا ضبط می کند یا میفروشد اگر بفروشد خود دولت عامل فروش اشیا تقلبی است اگر هم ضبط کند نمیتواند قایم مقام جریمه بشود ایذا بعقیده بنده این ماده و این تبصره باین ترتیب غلط است.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده مخالفم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - بنده موافقم؟

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده این ایراد را کاملاً نفهمیدم زیرا میشود در مملکت قانونی وضع کرد ولی مجازات برایش معین نکرد ما که نمیخواهیم کتاب موش و گربه بنویسیم که خواستند بخوانند نخواستند نخوانند

و قانون چهار انبیا باشد چه هر چه باشد مجازات لازم دارد

قانون بی مجازات نمیشود والا اگر اینطور باشد اجراء نخواهد شد

حالا اگر این مجازات را زیاد میدانید ممکن است پیشنهاد بفرمائید تا تخفیف داده شود والا برای قانون نمیشود هیچ مجازات معین نکرد

اما در آن قسمت که فرمودید اشیا یا که دارای علامت تقلبی و ساختگی باشند دانسته کاری کرد بر جاهل و غیر عالم

تکلیفی متوجه نیست و تکلیف بر دانسته متوجه است و باین ترتیبی که قرار داده شده در واقع کمسیون یک ارفاق و تسهیلی هم برای متخلفین قائل شده کسی که ندانسته مبادرت بامری کرده می آید میگوید من نمیدانستم دیگر توی سرش که نمیزند که خبر تو ندانسته بودی

پس این یک نوع تسهیل و ارفاقی است برای اینها

در اینصورت گمان میکنم این ایراد وارد نیست

اما نسبت به آن قسمت تبصره که فرمودند

معادل مبلغی که ماده دوازدهم بمعهده

محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیا تقلبی مصادره خواهد شد خودتان تصدیق دارید که این اشیا تقلبی چقدر باعث فساد اخلاق در مملکت است باید روز بروز قدم قدم جلو تقلب را گرفت و مملکت را از این کثافت کاریها بیرون بیاوریم و این اشیا را هم که دولت مصادره میکند بمرض فروش نیآورد.

سردار معظم - بنده توضیح دارم

رئیس - چه توضیحی؟

سردار معظم - توضیح راجع باینکه در عرایض بنده سوء تفاهمی شده است.

رئیس - مطابق نظامنامه توضیح بدهید.

سردار معظم - البته بنده با اینکه چهار دوزه است افتخار عضویت مجلس شورای ملی را دارم امیدوارم از حدود نظامنامه خارج نشوم.

آقای آقا سید یعقوب از بیانات و اظهارات بنده چنین استنباط کردند که بنده منکر مجازات شدم.

بنده خواستم توضیح بدهم که اظهارات بنده برای ایشان سوء تفاهم شده است و بنده منکر مجازات نشده ام و عرایض دیگری دارم که اگر حالا بخواهم عرض کنم از حدود توضیح خارج خواهد شد ولی در موقع عرض خواهم کرد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرایض بنده اگر تائید تفسیر بد ماگوزی نشود عرض میکنم این کمسیون که در این ماده وارد شده اساساً صالح نبوده برای اینکه قانون مجازات از وظایف کمسیون عدلیه است و کمسیون عدلیه باید در اینکار مراجعه و رسیدگی کرده و قانون جزای عرفی را معین کند و بنویسد حالا بر فرض صلاحیت این کمسیون این ماده اصولاً بر خلاف صلاح ملک و ملت ایران است

فرض میکنم یک نفر قفل ساز یک علامت صنعتی برای خودش معین کرده یک قفل ساز دیگری علامتی شبیه بآن را برای خود اختیار نمود و بآن علامت قفلی فروخت.

حالا این بدبخت با داشتن زن و بچه و عائله باید دچار سه ماه حبس آنهم غیر قابل اتباع که مرحله اش در قانون جزا مرحله جنایت است بشود وقتی که این مرحله جنایت است

پس این یک نوع تسهیل و ارفاقی است برای اینها

در اینصورت گمان میکنم این ایراد وارد نیست

اما نسبت به آن قسمت تبصره که فرمودند

معادل مبلغی که ماده دوازدهم بمعهده

محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیا تقلبی مصادره خواهد شد

اشخاص تفاوت دارند فرض میکنم دست فروشی در خارج قفلی بیک نفر خرید

پس از اینکه خرید فهمید و احساس کرد

که علامت صنعتی این قفل تقلبی است و فروخت مایه اوهم پنجتومان بیشتر نیست آنوقت این شخص را میبندد در تحت استنطاق دومه توقیف میشود تا استنطاق تمام شود پس از اینکه از معکبه هم حکم صادر شد باید مدتی طول بکشد تا جریان معاکمات از استنباط و تمیز طی شود.

پس از طی تمام این مراحل آنوقت تازه باید سه ماه حبس شود و سببش تومانی هم جرم بدهد درحالتی که مفلس است.

اینها را قانون گذار باید بفهمد و بداند که معنای قانون و ترتیب مجازات چیست؟

آقا سید یعقوب - خوب میدانستیم آقا شیخ محمد علی طهرانی - به عقیده بنده فعلاً باید این ماده مسکوت عنه بماند و برگردد بکمسیون عدلیه و در آنجا دقت شود و جزو قانون مجازات عرفی یک جرمی برایش معین شود.

آقا سید یعقوب - نسبت بکمسیون توهین کرده است (صدای زنک)

مخبر - اعتراضات دو قسم بود. یک قسمت را حضرت آقای سردار معظم و یک قسمت دیگر آقای طهرانی بیان فرمودند.

بنده حالا در آن قسمت که آقای طهرانی ایراد کردند چون خاطر من است جواب عرض میکنم اینکه فرمودند البته یک نوع دلسوزی است برای آن قفل ساز که دانسته یا ندانسته یک کاری کرده و او را تعقیب میکنند ولی از طرف دیگر آن قفل ساز بدبختی هم که زحمت کشیده و قفل مستحکم خوب درست کرده و زندگانی او و عائله او روی استحکام و متانت کار است آنوقت یک قفل ساز قلابی که شاید قفل ساز هم نیست آمده یک مارکی گذاشته وقتی هم که توقیف میشود میگوید من زن و بچه دارم خوب آن دیگری هم زن و بچه دارد.

بعلاوه کارش استحکام دارد و در ساخت آن قفل خوب فکری را به کار انداخته و زحمت کشیده و از دست رنج خودش میخواهد یک لقمه نان مشروعی بخورد.

او نمیخواهد اجازه بدهد که بایدها این ترتیب دیگری بیاید قفل بکند و نان او را از دستش بگیرد و در نتیجه او را بکشد.

بنا بر این ما نمیتوانیم برای یک قفل ساز قلابی اینقدر دلسوزی کنیم ولی بفکر یک قفل ساز بیچاره که از روی استحکام و زحمتی کشیده و یک چیز خوبی درست کرده است.

نباشیم حقیقتاً باید از قفل جلوبگیری کرد و باید برای آن قفل ساز حقیقی بیشتر دلمان بسوزد تا برای یک قفل ساز قلابی آن قفل ساز هم باید برود کار کند و یک مارکی برای خودش اختیار کند.

اماد در آن قسمت اظهار آقای سردار معظم ایشان در قسمت اول اساساً اعتراضی نداشتند و فرمودند کسی که مرتکب قفل شد باید مجازات شود.

اما در قسمت ثانی که نوشته شده دانسته بفروشد قسمت اینکه دانسته باشد حلش خیلی مشکل است و نمیتوان آنرا ثابت کرد که واقعاً این شخص در جرم شرکت داشته است یا نه؟

تأی کرده است یا نه؟ علاج این مسئله این است وقتیکه این شخص دستگیر میشود باید طرفش اسناد مثبته بیاورد و ثابت کند که او در جرم شرکت داشته است.

حالا باز بر میگرددیم بآن قسمت اظهار آقای شیخ محمد علی

در ماده آخر دارد که یکی از مأمورین اجرای این قانون وزارت عدلیه است آقا در کم و زیاد مجازات در صورتی که قفل تشخیص داده شود البته در قوانین مملکتی مجازات برای قفل یک اندازه دارد.

اینجا مینویسد در صورت قفل ده تومان تا سیصد تومان جرم دارد و میزان این جرم و تعیین آن به تشخیص کیست؟

البته بتشخیص محکمه مربوط است و ممکن است حد اقل مجازات را معین کنند حالا اگر قفل در مملکت اینقدر هم مجازات ندارد.

در این صورت البته این ماده را انداخته (جمعی گفتند مذاکرات کافی است).

رئیس - مذاکرات کافی است؟ جمعی از نمایندگان بلی کافی است محمد هاشم میرزا شیخ رئیس کافی نیست.

رئیس - بفرمائید

شیخ رئیس - این مطلب یک مسئله مهمی است و در اطرافش مذاکره کرد در این قانون یک جرم و حبس شدیدی معین کرده برای اینکه جرمش فقط یک دروغی است که گفته است جرم اول این

است که همین قدر گفته فلان علامت مال فلان کارخانه است و برای یک همچو دروغی این مجازات بعقیده بنده زیاد است و بنده عقیده دارم که در این مسائل باید مفصلاً حرف زد.

یک نفر از نمایندگان رای بگیرد رئیس عده برای رای کافی نیست محمد هاشم میرزا شیخ رئیس

مذاکرات کافی نیست رئیس شور اول است آقا.

آقای طهرانی (اجازه) آقا شیخ محمد علی طهرانی عرضی ندارم.

رئیس - آقای شیخ رئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس عرض میکنم علی ای حال با وجود اینکه مذاکره شد باید یک نظر عمیقی در مطالب کرد. با اینکه قانون تحدید تریاک رسمیت ندارد معذالک میروند در دهات و بر دم میگویند سه سال قیل چون توفلان قدر شیرداشتی حالا هم باید همان مقدار بدهی.

حاج عز الممالک - حاج از موضوع است.

شاهزاده شیخ رئیس - خیر خارج از موضوع نیست آقای رئیس باید بفرمائید خارج از موضوع است رئیس آقا بفرمائید.

شیخ رئیس - یک نفر نمیتواند در مقابل همه دفاع کند بنده عرض میکنم این ترتیب که می بینیم و با بی سواد مردم فرضاً اگر یک کارخانه بزرگ هم داشته باشیم در دهات مردم سواد ندارند تا مطلع شوند.

از این قبیل چیزها خیلی زیاد است که حقیقتاً قابل اجرا نیست لذا بعقیده بنده برای اینکه باید یک مجازات متناسبی معین کرد این مجازاتیکه معین شده در مرحله جنایت است گذشته از این مجازات را برای مرتکب باید معین کرد نه برای فروشنده زیرا فروشنده بی تقصیر است هنوز یک چیزهایی برای فروش میآورند که خود مردم نمیتوانند تشخیص بدهند و بآن شدنی هم که آقای آقا سید یعقوب میفرمایند قفل نمیشود زیرا آن شخص که میخواهد مثل دیگری کفش بسازد مجبور است کفش جرم بسازد و طوری بسازد که تمامش مثل او باشد و چه بسا کفش این شخص خیلی خوب است ولی چون مشهور نیست خواسته علامتش مثل او باشد ولی دو جنش قفل نشده فقط دروغی گفته است پس

در مقابل یک دروغ باید یک مجازات متناسب با سایر مطالب که در مملکت است قرار داد و این مجازات را برافروشنده و مرتکب نمیتوان قرار داد و برای مرتکب هم باید یک جزای معتدلی گذاشت و بنده با حبس مخالفم.

(بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - نسبت بکفایت مذاکرات کسی مخالف است) شیخ رئیس بنده مخالفم (خنده بین نمایندگان)

شیخ رئیس - خنده یعنی چه؟ دیگران باید حرف بزنند.

رئیس - آقای دست غیب چطور؟ دست غیب مخالفم رئیس راجع بکدام قسمت؟ دست غیب - در اصل موضوع مخالفم.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - در اینجا از طرف مخالفین دلائلی ذکر شد که آقای مخبر جواب دادند ولی چون میبینیم مذاکرات را کافی نمیدانند و لازم است مذاکرات بشود این است که بنده هم یک قسمت از مذاکرات آقایان را که بنظم میروند بطور کلی جواب عرض میکنم آقای سردار معظم فرمودند و تقصیر را نمیتوان در عرض هم قرارداد زیرا در عرض هم نیست باید دید که این تقصیرات چیست؟ اگر از نظر حقوقی مسئله را نگاه کنیم می بینیم هر دو نفر در یک عرض هستند.

سردار معظم در عرض هم نیستند داور - اجازه بفرمائید بنده وقتی که عرض را کردم شاهم بعد می توانید حرفتان را بزنید

یکی از اینها یک جنس را کمی بیند مرغوب است و مارک دارد میآید آن مارک را بیکطوری یا با کسر و نقصان یا تغییراتی که اسباب اشتباه شود آن مارک را میگیرد و روی جنس خودش میگذارد چون بواسطه این مال جنس او مرغوب میشود یک قسمت از مشتریهای آن صاحب مارک را از دستش میگیرد ولی فروشنده بواسطه اینکه این جنس مارک تقلبی رویش است و بخوبی جنس اول نیست بدبختیها هم ضرر میزند زیرا کسی که مارک یک نفر دیگری را میسازد و روی جنس خودش میگذارد برای اینکه بتواند آن جنس را بفروشد لابد یک نفر را لازم دارد که آن جنس را بفروشد و وجود این شخص که جنس در دست او هست و برای اینکه میبکند مسلماً بهمان اندازه که آن

صاحب اولی مارک ضرر میزند و وجود آن هم لا اقل بهمان درجه هم بصاحب مارک و هم بشتی زحمت برساند پس هر دو مقصودند اما راجع باینکه این اشخاص دانسته اینکار را کرده اند یا ندانسته؟ البته ممکن است یک بیچاره و بدبختی را بگیرند و ببرند عدلیه چنانچه آقای طهرانی فرمودند و چندین ماه بواسطه بی بیانات عدلیه و استیفاف و تمیز او را در از حمت بیندازند اینها البته یک مسأله است که ممکن است پیش بیاید و ممکن است یک شخصی مورد سوء ظن واقع شود ولی قانون این است که اگر کسی دانسته یک جنس را که مارک تقلبی داشته بفروش رسانیده است این مجازات باو تعلق خواهد گرفت یا باید این فرض را بگیریم که این شخص دانسته و فهمیده یک ضرری بصاحب مارک زده البته اثبات تقصیر با خود او که نیست که بگوید من نمیدانستم البته مدعی العموم که او را تعقیب میکنند یا مدعی خصوصی باید ثابت کند و بگوید شما باین دلیل و باین دلیل میدانستید بنده حس میکنم که آقایان میفرمایند شاید مدعی العموم آنطور که لازم است دقت نکند و در مملکت ما در مسائل آنطوریکه لازم است دقت نمیشود.

بلی اینها ممکن است ولی وقتی قانون گذار وضع میکند باید طوری قانون را وضع کند و شما بایستی قانون را بر تئیی بگذارید که تمام اطرافش را ملاحظه کنید و مدعی العمومتان هم مطابق قانون رفتار کند قانون شما باید کامل باشد برای اینکه شخصی را که مقصر بود و او را بگیرند و راجع باینکه در کجا این کار بشود در محاکم مربوطه باید بشود همانطور که فلا هم آقایان گفتند چون شنیدم بعضی میگفتند اینطور از مجرای اداری باید در محاکم عدلیه تعقیب شود حتی ممکن است در ماده هم قید کرد که در محاکم عدلیه باین مسئله رسیدگی خواهد شد و پس از ثبوت تقصیر در محاکم عدلیه مجازات مرتکب معین خواهد شد حالا به بینیم اگر یک کسی یک کاری کرد و مجازاتی داشت چنانچه در تمام دنیا اشخاص متلب را مجازات شدید میدهند و یکی از شرایط رفی صنعت در مملکت این است که اشخاص متلب نتوانند جای اشخاصی درست را بگیرند و مارک تقلبی درست کنند باید گفت که این اشخاص اصلاً مجازات نشوند؟

آیا ضرری خواهد داشت که ما هم سعی خواهیم کرد که اشیاء تقلبی درست نشود و نمیکند و این جنس های تقلبی فروخته شود اگر در اصل قضیه حرف است

میگویند از نقطه نظر ترحم و شفقت خوب است اشخاص را که قفل کرده اند را کرد این مسئله را تصور میکنم آقایان هم راضی نمیشوند. یکی از مسألهای که فرمودند حبس غیر قابل ابتیاع است حبس باید غیر قابل ابتیاع باشد. سردار معظم - این قاعده کلی نیست. داور - وقتی موقع شد دلائلمان را میآوریم در قسمتی که آقای طهرانی راجع بقفل ساز بدبخت فرمودند بنده نمیفهمم که آقایان در این مسائل قفل ساز بدبخت را میان میآورند و حرف میزنند ولی نظر آقایان است که موافق معمول و ترتیب وقتی که مقنن یک قانونی میگذارد البته در موقع عمل و اجرا خصوصیات را میکند و آن چیزی است که مجموعه را قرائن مخفیه میگویند و البته وقتی که مدعی العموم یا مدعی خصوصی یک نفر را دید که این مارک تقلبی را درست کرده یا میدانسته است این مارک تقلبی بوده البته او را تعقیب میکنند و پس از ثبوت هم باید مجازات شود ولی اگر محکمه تخفیف میدهد و غالباً هم تخفیف داده خواهد شد و سه ماه حبس هم که حد اقل است ممکن است بده روز بزرگ.

پس از این حیث هم باید آسوده باشند.

آقای شیخ رئیس فرمودند چون قانون بد اجراء میشود باید مجازات را این طور بنویسم چرا؟ برای اینکه قانون تجدید بد اجراء میشود بنابراین فرمایشی که آقا میفرمایند هر قانونی را که ما خواستیم در او رای بدهیم اول باید بینیم و فکر کنیم که آیا مأمورین و عمال دولت چنانچه باید و شاید اجرا میکنند یا نه؟ و چون بعضی از قوانین خوب اجرا نمی شود.

پس ما باید باین قانون رای بدهیم این فرمایش آقا است و بنده تصور میکنم این استدلال آقا صحیح نباشد برای اینکه وظیفه ما وضع قانون است اجرای آن با ما نیست اینکه ذکر شد جزای نقدی در این ماده نوشته شود بهتر است این قید را بنده تصور میکنم موافق مصلحت نباشد در مسائل تجارتهی مخصوصاً بایستی در نظر داشت و مجازات را حبس قرار داد چون غالباً غالباً یک تجاری وقتی که خواست قفل کند صرفه اش در این است که جزای نقدی بدهد مگر اینکه فوق العاده آن جریمه زیاد قرار بدهیم و اگر هم جریمه نقدی زیاد

باشد در خیالی از مواقع برخلاف انصاف میشود و بعقیده بنده حتی الامکان نباید برای شخص متقلب یا مقصر جزای نقدی قرار داد و باید مسئله حبس را در نظر گرفت که برای همه یک مسئله مهم و سختی باشد برای اینکه ممکن است آن تاجر تصور کند که در این قفل صرفه برای او است.

چون این قضیه که هر روز اتفاق نمی افتد یکمرتبه یا دو مرتبه در سال واقع میشود که تازه از ده الی سیصد تومان باید ضرر بدهد ممکن است این شخص حساب بکند به بیند در سال هزار تومان یا دو هزار تومان از این کار منفعت میبرد و سیصد تومان بیاید بدهد.

آقای سر کشیک زاده (اجازه) سر کشیک زاده - بنده در دستور جلسه آتی عرضی دارم

رئیس - دستور جلسه آتی را عرض میکنم بعد اگر مطلبی دارید می فرمائید جلسه آتی روز سه شنبه چهارم را بیاورم موضوع مذاکرات اولاً راپورت کمسیون نفت ثانیاً بقیه لایحه علامت صنعتی در درجه سیم لایحه اوزان و مقادیر آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - از قرار که بنده اطلاع دارم کمسیون معترم بوده بودجه دربار بایک تغییرات عادلانه تهیه کرده و بمقام ریاست هم تقدیم شد و راپورتش هم طبع و توزیع شده بنابراین این تقاضا می کنم جزو دستور و در جلسه آتی مطرح شود.

رئیس - اگر مخالفی نباشد در درجه چهارم: آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تقاضا میکنم پیشنهاد آقای سردار معظم راجع به تعمیر مقبره مرحوم فردوسی جزو دستور گذارده شود تا زودتر تکلیفش معلوم شود رئیس - میباید برای روز پنجشنبه: آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - نمیدانم امروز اگر فرصت باشد چنانچه وعده هم فرمودید یا لا اقل جزو دستور آتی گذارده شود پیشنهاد بنده و بکعبه از نمایندگان راجع بحضور غیاب اعضاء کمسیونها در کمسیونها نظربایانکه اغلب کمسیونها بواسطه حاضر نشدن اعضاء تشکیل نمیشود حالا بنده از موقع استفاده میکنم و برای مثال عرض میکنم کمسیون قوانین مالیه در باب پوست بره بواسطه حاضر نشدن اعضاء تشکیل نشد

حاج عز الممالک - اسم ببرید سردار معظم - محتاج با سمرپردن نیست آقای حاج عز الممالک تقاضا میکنم که اسم بهر هم خود ایشان همه وقت مرتباً حاضر می شوند ولی چند نفر از اشخاصی را داریم که حاضر نمی شوند و شاید بعضی از آنها اشخاصی هستند که در کمسیونهای دیگر عضویت دارند که بواسطه تصادف کمسیون بوده با کمسیون قوانین مالیه نمیتوانند حاضر شوند و مقتضی هم بود که از یک حکام از این کمسیونها استعفا بدهند و نداده اند.

لهذا برای پیدا کردن راه حل بنده پیشنهادی کردم و جمعی از نمایندگان هم امضا کردند و تقدیم نمودند طبع و توزیع هم شده.

حالا این را اگر خودتان مستقیماً به کمسیون مستعکرات رجوع میفرمایند محتاج با اعلام در مجلس نیست آن وقت استعفا خواهم کرد که مقرر فرمائید زودتر راپورتش را بدهند و اگر محکم

رئیس - سر کشیک زاده (اجازه) سر کشیک زاده - بنده در دستور جلسه آتی عرضی دارم

سر کشیک زاده - بنده در دستور جلسه آتی عرضی دارم

است در مجلس مذاکره شود استعفا دارم
یا امروز یا جلسه آتی جزو دستور قرار
داده شود .

رئیس - حق این است که بنده مراجعه
کنم بکمیسیون مبتکرات و مراجعه هم شده
است .

آقای داور

(اجازه)

داور - قانون استخدام مدنی است
برای اصلاح بعضی از مواد آن مراجعه
شده است بکمیسیون استخدام و تاکنون
هیچ خبری نرسیده است بنده لازم میدانم
تذکری داده شود از طرف مقام ریاست
بکمیسیون که زودتر تمام بفرمائید

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس

(اجازه)

شیخ رئیس - کمیسیون استخدام
به مناسبت تصادف با ایام تعطیل تشکیل
نشد باینجهته در تقدیم راپورت به مجلس
تاخیر شده ولی فعلا مشغول کار است و عنقریب
راپورت خودش را خواهد

رئیس - دیگر اظهار نیست

یک نفر از نمایندگان - خیر

(مجلس چهار ربع ساعت بعد از

ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملك

جلسه ۵۱

صورت مشروح

مجلس یوم پنجشنبه پنجم

برج سنبله ۱۳۰۳

مطابق بیست و ششم

محرم ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت قبل از ظهر

بر ریاست آقای مؤتمن الملك

تشکیل گردید

صورت مشروح مجلس یوم يكشنبه

اول سنبله را آقای آقا میرزا

شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس آقای آقاسید یعقوب .

(اجازه)

آقاسید یعقوب - آقای مدرس را

فائز بی اجازه نوشتند از قرار معلوم ایشان

مریض هستند

رئیس - چون یادداشت نداده بودند

بعد تطبیق شده اصلاح می شود.

آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده بعد از تصویب صورت جلسه

مرضی داشتم

رئیس - نسبت بصورت جلسه گویا دیگر

ایرادی نباشد

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس آقای تدین .

(اجازه)

تدین - موضوع مریض بنده يك

تذکرانی است

که تمام آقایان نمایندگان میخوانم بدو آن